

ترس از تغییر

شعبانی: آقای محمد پیام بهرام پور مدرس سخنرانی و فن بیان از هواداران نود و هشتیا، عضو باشگاه نود و هشتیا، سلام عصر شما بخیر به نود و هشتیا خیلی خوش آمدید.

بهرام پور: به نام خدا، من هم عرض سلام و احترام دارم خدمت شما سرکار خانم شعبانی و شنونده‌های عزیز برنامه

خدمت شما عرض شود که مخاطبان از ما درخواست کردند، پیرو صحبت‌هایی که با شما در این برنامه داشتیم و مورد استقبالشان قرار گرفت خداروشکر، برای این عزیزان در مورد ترس از تغییر و پیشرفت توضیح بدهید.

کاری رو آغاز کردند، سال‌هاست که دارند در آن کار تلاش می‌کنند، کار بدی هم نیست، اما مدتی هست که به این فکر افتادند که یک تغییراتی در کارشان ایجاد کنند و بست و گسترش بدهند اما آن جرات لازم را ندارند.

بهرام پور: وقتی این موضوع رو به من گفتند که می‌خواهیم صحبت بکنیم خیلی خوشحال شدم چون بررسی‌های زیادی راجع به این موضوع داشتم و اول می‌خواهم تشکر کنم از سردبیر برنامه آقای عزتی که موضوعات خیلی خوبی رو انتخاب می‌کنند و شما هم آن‌ها رو به زیبایی اجرا می‌کنید.

شعبانی: مخاطبانمان به ما موضوع پیشنهاد می‌دهند آقای بهرام پور

بهرام پور: بله انتخاب موضوع رو درست می‌فرمایید منظورم از بین انتخاب از بین موضوع‌های مختلف است که الویت می‌گذارند.

حالا بریم سراغ چرا ما اصلاً از تغییر و پیشرفت می‌ترسیم

خب به نظر میاد که تغییر چیز خیلی خوبی باشه ولی معمولاً نسبت به این موضوع مقاومت می‌کنیم و خیلی راحت نمی‌توانیم تغییر را بپذیریم.

دلیلش برمی‌گردد به ساختار مغز ما، مغز به گونه‌ای رفتار می‌کند که دوست داره همه چیز مثل همیشه باشه و تغییر تا حد ممکن کم باشه به خاطر همین گفته میشه کار مغز حفظ حالت موجود هست و به خاطر همین وقتی که ما حرف از تغییر می‌زنیم، خب مغز یک مقدار مقاومت می‌کند و اون ترس وجود دارد.

سؤال این هست که آیا واقعاً ترس چیز بدی هست یا نه؟

متأسفانه همیشه به ما گفتند ترس چیز بدی هست، نباید بترسید، مرد که نمی‌ترسد و واسه چی می‌ترسی



در صورتی که اصلاً ترس چیز بدی نیست، بهتره بدونیم ترس می‌تواند یک اتفاق خوب باشد، یک نشانه خوب و یک تابلوی راهنمایی زیبا باشه، برای اینکه ما داریم یک کار درست را انجام می‌دهیم، چون هر بار که می‌ترسیم یعنی یک کار بزرگ داریم انجام می‌دهیم.

به‌عنوان مثال من اولین برنامه رادیویی که داشتم خیلی استرس داشتم چون تجربه‌اش رو نداشتم و یک کار بزرگ بود خوب بعدها بارها و بارها اجرا کردم و مطمئنم مثلاً الآن شما هیچ استرسی نداری چون بارها این تجربه را داشتید، ولی برای بار اول برای هر کسی می‌تواند دارای استرس و نگرانی باشد.

در کسب و کار هم همین‌طور است، وقتی می‌خواهیم تغییر کنیم از ترس اینکه نکند نتیجه نگیریم و یا هر چیز دیگری ممکنه دست به اقدام زنیم، در صورتی که خب این واقعاً نشدنی هست یعنی اگر بخواهیم پیشرفت بکنیم باید بپذیریم که تغییر باید وجود داشته باشد.

بنابراین نکته اول باید بدانیم ترس نشانه خوبی هست و نشانه بدی نیست.

هر بار که ترسیدیم شاید خوب باشه که دستمان را بگذاریم رو قلبمون و بگوییم خیلی خوشحالم که دارم می‌ترسم یعنی اینکه دارم کار بزرگی را انجام می‌دهم.

نکته بعدی این هست که باید بپذیریم اگر تغییر نکنیم بدون هیچ تردیدی توی بازار کسب و کار و یا

خیلی چیزهای دیگر از بین خواهیم رفت و نمی‌توانیم خیلی خوب رشد کنیم، چون رقبای ما تغییر را می‌پذیرند، رشد می‌کنند و ممکن هست جایگاه ما رو به دست بیاورند بنابراین این رو هم باید در نظر داشته باشیم.

من پیشنهاد می‌کنم همیشه هر کاری که انجام می‌دهیم در هر لحظه از خودمان بپرسیم اگر به همین روندی که دارم زندگی می‌کنم ادامه بدهم ده سال بعد به کجا خواهم رسید.

این خیلی مهمه بینم آیا من این کارهایی که دارم انجام می‌دهم، ایده‌هایی که دارم، روند زندگی‌ام و مدل ارتباطم من را به هدفم می‌رسونه و اگر اینطور ادامه بدهم ده سال بعد به اون نقطه مطلوبم می‌رسم، یا اینکه لازمه کارهای دیگه‌ای باید انجام بدهم.

مورد بعدی این هست که تغییر یک کار خیلی بزرگ است و خیلی‌ها حاضر نیستند بپذیرند و این میتونه اتفاقاً مزیت ما باشد.

من این جمله رو خیلی دوست دارم می‌گوید:



امروز کارهایی رو انجام میدم که دیگران حاضر نیستند انجام بدهند تا فردا کارهایی رو انجام بدم که دیگران نمی توانند انجام بدهند.

یعنی من سختی های رو می کشم، تلاش هایی رو می کنم، شکست هایی رو می خورم که بقیه حاضر نیستند ریسک کنند بیایند به این سمت و چنین کارهایی رو انجام بدهند، ولی من این ها رو می پذیرم تا فردا بتونم به موفقیت هایی برسم که بقیه نرسیدند و این می تونه به آدم حس خوبی بده.

البته گفته های من به این معنی نیست که حالا دیگه همین جوری بی حساب و کتاب ریسک کنیم سرمایه مان را در خطر قرار بدهیم و همین طور اقدام بکنیم. نه!

باید این ها حساب شده باشه، منطقی باشه، با بررسی بازار و شرایط مختلف و کاملاً علمی، اما باید بپذیریم بهر حال هر موفقیتی یک ریسکی داره، هر کاری که انجام می دهیم مستلزم ریسکی هست و اگر بخواهیم بدون ریسک کردن موفق بشویم مثل این هست که بخواهیم بدون متولد شدن زندگی کنیم و این نشدنی هست و لازمه موفقیت این هست که ریسک بکنیم البته ریسک درست و منطقی.

شعبانی: سپاسگزارم از توضیحات ارزنده شما آقای محمد پیام بهرام پور مدرس سخنرانی و فن بیان

دوستان عزیز این جوری که دارم پیامک هاتون را رصد می کنم گویا صحبت های ایشان کاملاً بیانگر همه آن چیزی بوده که در ذهن شما می گذشته است. به همین دلیل امروز در رابطه با این موضوع برخلاف روزهای پیش پیامک ارسال نکردید که دائم می خواستید که در رابطه با این موضوع صحبت کنیم من با آقای بهرام پور خداحافظی می کنم و اگر الان به جمع شنونده های ما پیوستید و یا می خواهید برای ما پیامک ارسال کنید، پیام ها اینجا محفوظ می ماند برای روزهای آتی و دوباره به آن ها خواهیم پرداخت

آقای بهرام پور درود بر شما و خدانگهدار

بهرام پور: خانم شعبانی از شما سپاسگزارم و خدانگهدار